

محمد حقیقت در گفت و گو با «ایران» از حضور سینمای ایران در جشنواره ونیز و تور تنومی گوید

نشانه‌هایی برای سرزنده‌بودن سینمای ایران

ترکس عاشوری خبرنگار



خردادماه امسال که اسامی منتخبان سال ۲۰۲۰ جشنواره فیلم کن اعلام شد جای خالی فیلم‌های ایرانی خیلی کم برپیمان سؤال برانگیز نبود. اگر چه سینمای ایران معمولاً در این جشنواره حرفی برای گفتن داشته و حضورش تأثیرگذار بوده؛ اما فارغ از غوغاسالاری ویروس کرونا و لغو جشنواره (قرار است فیلم‌ها با جرسب کن ۲۰۲۰ در شماری از جشنواره‌های تراز اول سینمایی به روی پرده بروند) افول یخت ستاره سینمای ایران در جشنواره‌های بین‌المللی یکی، دو سال اخیر این اشنیاق و توقع را در علاقه‌مندان سینما تقلیل داده بود که منتظر حضور پرافتخار سینمای ایران در مجامع بین‌المللی باشیم. اگرچه آخرین موفقیت سینمای ایران مربوط به برلیناله ۲۰۲۰ است که محمد رسول‌اف خرس طلایی هفتادمین دوره این جشنواره را کسب کرد که آن فیلم به البته مسائل خاص خودش را داشت. اما در یکی، دو سال اخیر سینمای ایران حضور موفق و پرباری را در جشنواره‌های الف جهانی تجربه نکرده است. هفته گذشته اما اعلام حضور فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی در بخش مسابقه (شیر طلایی) و «جنایت بی‌دقت» شهرام مکرری و «دشت خاموش» احمد بهرامی در بخش افق‌های هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم ونیز امیدوارمان کرد که سینمای ایران خبری دوباره برای حضور در جشنواره‌های معتبر جهانی برداشته است. تکمله این امیدواری اعلام حضور دو فیلمساز زن سینمای ایران در جشنواره فیلم تورنتو بود. چهل و پنجمین دوره این رویداد سینمایی میزبان دو فیلم «بندر بند» به کارگردانی منیره حکمت و «خط فرضی» به نویسندگی و کارگردانی فروش صمدی خواهد بود. به همین بهانه در گفت و گویی با محمد حقیقت، منتقد و کارشناس سینما در فرانسه درباره فرضیه روی گردانی جشنواره‌های جهانی از سینمای ایران و پابزرگ شدن امیدها به ادامه حضور موفق در مجامع بین‌المللی گفت و گو کرده ایم.

■ سال گذشته به طور متوسط روزانه ده‌ها

خبر از حضورهای بین‌المللی سینمای ایران در جشنواره‌هایی شنیده شد که فاقد جاهت حد اقلی بودند. بر خلاف کثرت این اخبار اما خبرهای امیدوارکننده درباره موفقیت سینمای کشورمان در مجامع جهانی و بخصوص جشنواره الف جهانی کمتر شنیده می‌شود. آیا این عدم موفقیت را می‌توان حاصل شانس یا اتفاق عنوان کرد یا باید آن را نشانه‌هایی معنادار تعبیر کرد؟

همانگونه که اغلب دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینما درجریان هستند، بیش از هزارها جشنواره کوچک و بزرگ، (کم‌اهمیت)، (کمی با اهمیت) و حدوداً ۱۰ تا ۱۵ هم (بسیار با اهمیت) امروزه در سراسر دنیا فعالیت دارند. کشورهایی که شدیداً در زمینه تولید فیلم و ویژه آثار با ارزش فعال هستند، چندان زیاد نیست. سینمای ایران که گاه برخی از افراد درباره «حضور بین‌المللی» آن بسیار اغراق می‌کنند و هر خبر جزئی را با آب‌وتاب منتشر می‌کنند (که ما امسال مثلاً ۱۰۲۴ حضور بین‌المللی داشته‌ایم!) باعث توهم در آذهان عمومی شده‌اند و در این



فیلم «خورشید» را وی داستان چند نوجوان است که سودای یافتن گنج در سر می‌پروراند و برای تحقق آن به مدرسه‌ای که گنج در آن پنهان شده می‌روند. غافل از آنکه دست روزگار سرنوشت دیگری را برایشان رقم زده است. فیلمنامه‌نویس: مجید مجیدی و نیما جاویدی/ بازیگران: علی نصیریان، جواد عزتی، طناز طباطبایی، صفر محمدی، علی غابشی و روح‌الله زمانی



«جنایت بی دقت» مضمونی مرتبط با سینما دارد و درباره آشنایان است که قبل از شروع اکران فیلمی درباره آن حرف می‌زنند و با شروع نمایش پرده سینما، ماجرا شکل جدیدی به خود می‌گیرد. فیلمنامه‌نویس: شهرام مکرری و نسیم احمدپور/ بازیگران: بابک کریمی، سیاوش چراغی‌پور، محمد ساریان، فریبا کامران، ابوالفضل کاظمی، راضیه منصوری و کنوش قهرمانی.



فیلم «دشت خاموش» داستان لطف‌الله مردی تنهاست که به‌عنوان پیشکار در یک کوره آجرپزی کار می‌کند و رابط میان صاحب کوره و کارگران است. صاحب کوره روزی همه کارگران را جمع کرده و خبری رایه آن‌هایی دهد که زندگی همه کارگران را دچار دگرگونی می‌کند. فیلمنامه‌نویس: کارگردان: احمد بهرامی/ بازیگران: علی‌باقری، فرخ‌نعمتی، مهدیه نساج، مجید فرهنگ و توحید لوند.



رضا صامعی منتقد سینما

شیر ونیزی و «خورشید» مجیدی

در نشست رسانه‌ای فیلم «خورشید» در جشنواره سال پیش گفتیم این فیلم طلوع دوباره مجیدی است و حالا رهایی بی‌قیمت به جشنواره ونیز نشان می‌دهد که درخشش این فیلم آغاز شده است. حضور در ونیز هم فرصت دوباره‌ای برای نام‌آوری مجید مجیدی و هم یادآوری سینمای ایران در عرصه بین‌المللی است که بعد از چند سال که سینمای ایران را با نام اصغر فرهادی در جهان معتبر کرد این بار با

«خورشید» و مجید مجیدی این موفقیت تکرار شود. «خورشید» یادآور روزهای خوب مجید مجیدی است که این بار به معضل کودکان کار پرداخته و می‌تواند نگاه جهانیان را به خود جلب کند. «خورشید» قصه و روایت ساده‌ای دارد و با زلالی و خلوص دنیای کودکان آمیخته و این می‌تواند هر مخاطبی را از هر کجای دنیا با خود همراه و همدل کند. بازی‌های خوب بازیگران کودک و نوجوان که برخی از آنها واقعاً کودک کار هستند.

سینما مهم‌تر از سیاست



پرویز جاهد منتقد سینما

در روزگاری که ویروس کرونا، سینمای جهان را به انفعال کشانده، فیلمسازان را بیگار و خانه‌نشین و سالن‌های سینما را سوت‌و کور کرده، برگزاری جشنواره فیلم ونیز، مثل یک معجزه می‌ماند. نشان می‌دهد سینما هنوز زنده است و چه بهره‌ای می‌تواند از خود بخشد. خبر خوشحال‌کننده‌تر اما پذیرفته شدن چند فیلم ایرانی در بخش‌های مختلف این جشنواره است از جمله فیلم جدید شهرام مکرری با عنوان «جنایت بی‌دقت» که در بخش افق‌ها به نمایش درمی‌آید. مکرری، چهره آشنایی برای ونیزی‌هاست و قبلاً نیز در سال ۲۰۱۳ با فیلم «ماهی و گریه» در این جشنواره شرکت داشت و جایزه ویژه بخش افق‌های آن را دریافت کرد. متأسفانه هنوز فیلم جدید مکرری را ندیده‌ایم اما ظاهراً این فیلم نیز همان‌طور که از عنوانش برمی‌آید، همانند کارهای قبلی این فیلمساز، مایه‌های جانی و معنایی دارد و گویا در قالب فیلم در فیلم است و می‌توان حس زد که تجربه متفاوتی در سینمای ایران باشد چرا که در اکثری اصلاً

مؤمن به راهش



احسان عجبی‌پور کارگردان و فیلمنامه‌نویس

بود که ابتدا به حرفم توجهی نکرد و نطقه یا ذات قضیه در همین مواجهه و تمرده نهفته است. ما حدود شانزده هفده سال عمر را قافتم با آن، رفاقت بسیار صمیمی. احمد بهرامی، بی‌اینکه سرگرداند بیند هیجان یا اقبال روز سینما یا تماشاگر ایرانی متوجه کدام گونه یا دسته فیلم هاست، مستمراً و مستقلاً سلیقه و نگاه خودش را پیش گرفت. مسلم است اولین چیزی که چنین نگاه مستقلی را در گوشه زینگ مشت باران

■ با این نظریه موافق هستيد که خورشيد سينماي ايران در جشنواره‌های جهانی افول کرده و کشورهاي ديگر مثل کره‌جنوبي جای ايران را در سينماي جهان گرفته است؟ آیا توليدات دو سال اخير سينماي ايران به لحاظ کيفي، ظرفيت رقابت با فيلم‌های ديگر کشورها را دارا بوده‌اند.

سينماي هر کشور و منطقه‌ای، مثل اروپاي شرقي، امريکاي لاتين و آسيا، هميشه نتوانسته‌اند هر سال به‌طور يک‌توا تعدادی فيلم‌های قابل توجه توليد کنند، از سينماي ايران هم نمی‌توان توقع داشت که هر ساله فيلم‌های مهم و باارزشی به يک اندازه توليد کند. بستگی به شرايط اجتماعی، اقتصادی وغيره هم دارد. شرکت در جشنواره‌ها يک بخش قضيه است؛ اما اينکه فيلم‌های سينماي ايران در بازارهای بين‌المللی به فروش می‌رسد، مسأله ديگر است.

دنياي بسيار سختی است و رقابت نيز بسيار پيچيده. بسياری از فيلم‌های ایرانی که به جشنواره‌های ريز و درشت راه پيدا می‌کنند، الزاماً پيش‌کننده يکي‌نامی‌کنند و چه حيف، امروزه که مسأله ويروس همه‌گير کرونا هم پيش آمده، مشکلات فروش يک فيلم را چند برابر کرده است. در فرانسه، بسياری از سالن‌ها بسته‌اند. در ديگر کشورها مشکلات

به همين شکل است و فعلاً خريداران چندان رغبتی برای خريد فيلم ندارند. ■ دريک بازنگري تاريخی آيا می‌توان ريشه اين مشکل را صرفاً در توليدات سينماي ايران جست و جو کرد. عرضه و بازاریابی بين‌المللی فيلم‌ها و پخش کينده‌های شدن اين آثار تأثير دارند؟ و آيا پخش کينده بين‌المللی سينماي ايران بدون حمايت مديران سينمايی، می‌توانند بار اصلی حضورهای کيفی در عرصه‌های بين‌المللی را به‌دوش بکشند.

وقتي دولت دخالت‌های گوناگون برای ساخت يک فيلم انجام می‌دهد، به خلايقيت‌های فيلمسازان ضربه می‌زند. نمی‌شود از يک طرف فيلم‌های خوب و باارزش بسازيد تا در جهان گل کند و بتوانيم آن را هم بفروشيم و ازسوی ديگر داهم ممانعت‌های گوناگون برای خلق آثار با ارزش ايجاد کنيم. در بسياری از کشورها يچان دولت‌ها از بودجه خود که از جيب مردم آن در می‌آيد يا زلفت و غيره پشتيبانی می‌شوند، وظيفه دارند در

يکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۹

■ سال بيبست و ششم شماره ۱۴ ۷۴

دوران درخشش سينماي ايران در جشنواره‌ها سبزی شده است؟

قله‌های فتح نشده، بازارهای کشف نشده



محدثه واعظی‌پور روزنامه‌نگار

بی‌انصافی است اگر نپذيريم پيروی انقلاب اسلامی در معرفي سينماي ايران و ديده شدن آن در محافل بين‌المللی نقش و تأثيری بزرگ داشت. حذف دو عنصر خشونت و مسائل جنسی از سينمايی که بعد از انقلاب متولد شد، وجوه انسانی را در فيلم‌های سينمايی پررنگ کرد. در پرتو سياستگذاری مديران سينمايی در دهه شصت و هفتاد و به دنبال حمايت آنها از چهره‌هایی همچون مجيد مجیدی برای ديده شدن در ويترين‌هایی بزرگ‌تر، سينماي ايران در جهان و بويژه جشنواره‌های معتبر کشف شد و قدرديد. عباس کيارستمي ستاره اين جشنواره‌ها در آن مقطع، سال‌ها قبل از انقلاب فيلمسازی را شروع کرده بود، اما در اوج اوز زمانی رقم خورد که مخاطبان جهانی، مبهوت نگاه انسانی او در فيلم‌هایی شدند که تصويری تازه از زندگی، رنج‌ها و شادی‌های انسان معاصر مقابل ديگران تماشاگر غربي ترسيم می‌کرد. درخشش کيارستمي به تولد نسلی از فيلمسازان مقلد سبک او منجر شد که هرگز موفقيت او را در جشنواره‌ها تکرار نکردند، بعضی از آنها اعتباری اندک داشتند اما اغلب به سرعت فرواموش شدند و به حاشيه رفتند. در دهه نود،

در حالی که نقش مديران سينمايی در کشف استعداد و معرفي سينماگران ایرانی به جشنواره‌ها به حاقل رسيده بود، اصغر فرهادی نام ايران را دوباره در جشنواره‌ها بر سر زبان انداخت. فرهادی که پيش از مطرح شدن در محافل بين‌المللی، در ايران کشف و ستايش شده بود مانند کيارستمي، بیش از هر چيز محصول نبوغ، تلاش و اراده فردی بود.

فرهادی توانست دو بار رُيايی بزرگ دريافت اسکار را برای دوستداران سينما در ايران، محقق کند. امتياز سينمايی فرهادی اين است که به الگوهای سينمايی قصه‌گو و پر مخاطب وفادار است و تصويری که از ايران ارائه می‌دهد آکنده از تکيت، بدويت و محروميت نيست. فيلم‌های فرهادی، معمولاً دغدغه‌های طبقه متوسط را روايت می‌کنند و تصوير تحريف شده و ناقصی را که بعضی فيلم‌ها از «تمام ايران» برای مخاطب غربي ساخته‌اند تغيير می‌دهد. در همه دوره‌ها بعضی سينماگران به واسطه مضامين سياسی فيلم‌ها و نه ارزش‌های آثارشان گل سرسيد جشنواره‌ها بوده‌اند. اين سينماگران متوسط با زير متوسط سوار بر موج رويدادها و بحران‌ها، نتوانسته‌اند جوايزی از جشنواره‌ها به دست بياورند اما اين ديده شدن‌ها، دليلی بر کيفيت آثار يا استعداد آنها نيست. متأسفانه تيز شدن اين موفقيت‌ها و تحليل‌های يک‌سويه و نادرست، ارزش ديده شدن در جشنواره‌ها را هم مخدوش و کم‌رنگ می‌کند. نکته مهم ديگر، اين است که همه ظرفيت سينمايی ايران که می‌تواند خارج از کشور، شناخته و تحسين شود در فيلمسازان خلاصه نشده، بازیگران و تکنيسين‌های سينمايی ايران عيار بالایی برای مطرح شدن در فضاهاي حرفه‌ای بين‌المللی دارند.

سينمايی ايران، می‌تواند پس از پشت سر گذاشتن تجربه‌های چهل سال گذشته تا توجه به تجربه‌هایی که کشورها ي مختلف در ورود به بازارهای جهانی داشته‌اند، راه‌هایی تازه پيماييد. می‌شود مثل کره جنوبي به وجه صنعتی سينما پرداخت، به رقابت در اکران فکر کرد يا مانند ترکيه و کمبيا در زمينه سريال سازی نيازسنجي و بخشی از مردم جهان را با خود همراه کرد. سينمايی ايران با همه انتقادهایی که می‌توان به آن داشت، واجد ارزش، ظرفيت و دارای ستارگانی است که فراتر از اين مرزها کار کرد دارند.

از جمله امتيازات و نقاط قوت فيلم است که پيش‌بینی می‌شود نگاه‌داران و تماشاگران در جشنواره ونيز را جلب کند. مجیدی با فيلم «بچه‌های آسمان» جزو پنج نامزد نهايی دريافت بهترين فيلم خارجی زبان اسکار ۱۹۹۸ بود و نخستين کارگردان ایرانی است که نامزد دريافت جايزه اسکار شده است. اينک بار ديگر اين فرصت برای او پيش آمده تا در جشنواره ونيز بر اعتبار سينمايی ايران بيفزايد. فيلم او به بخش اصلی جشنواره راه يافته و در کنار بازیگران کودکش، يک علی نصيريان فوق‌العاده دارد که می‌تواند پشتوانه محکمی برای اين فيلم باشد. شناخته بودن خود مجيد مجیدی در جشنواره‌های بين‌المللی هم امتياز ديگری است که می‌تواند اميد درخشش «خورشيد» را بيشتر کند. فيلم‌های او در جشنواره‌های معتبری چون «برلين» و «ونتروال» جايزه گرفته‌اند. رضا ناجی برای بازی در «آواز گنجشک‌ها» از جشنواره فيلم برلين جايزه بهترين بازیگر مرد را دريافت کرد. اميد به اينکه شير ونيز به «خورشيد» برسد.

فيلمسازی تجربه‌گر است و هر دو فيلم قبل‌اش يعني «ماهی و گريه» و «هجوم»، تجربه‌های متفاوت و جسورانه‌ای از نظر فرم و سآتار روايی در سينماي ايران بوده‌اند. سينماگری که گرايش‌های سيئه قبلی (عشق به سينما) دارد و با رويکردی فرمايستی و سبک‌پردانه به سينما نگاه می‌کند. حضور دوباره مکرری در جشنواره فيلم ونيز نشان می‌دهد که مسئولان اين جشنواره برخلاف جشنواره‌ای مثل برلين، به دنبال هياهو و جنجال سياسی نيستند و در سينماي ايران تنها فيلم‌هایی نمی‌گردند که رنگ و بوی سياسی يا تم‌های حقوق بشری داشته باشد و احتمالاً سينما برايشان مهم‌تر از سياست است. از طرف ديگر، نمايش بين‌المللی فيلم‌هایی از جنس فيلم‌های مکرری، نشان می‌دهد که سينمايی ايران، تنها در فيلم‌های اجتماعی عااراز به سينمايی مبنی‌مالیستی ساده و اگزاکتيف خلاصه نمی‌شود بلکه گرايش‌های متفاوتی در اين سينما هست که برای دوستداران سينمايی ايران در سطح جهانی می‌تواند قابل توجه و جذاب باشد.

می‌کند، تنگنای مالی است، با درست‌ترش تنگناهای مالی، حتی این نوجیه‌کننده‌ترین اهرم روزگار هم این پسر را به تشکیک یا تبذیل نکشاند. چشم‌انداز و نگرشی داشت، که قابل تبذیل نبود. آن سکانس شروع این نوشتار، معنای عملگراییانه این شرح و بسط‌هایی است که دارم می‌دهم، باید از کلمه جادویی اسکنار حرف بزنم حالا. اسکنار، نتیجه یکم ایمان است و احتمالاً صبر و دوپیشش. خوشحال و دلخوشم از اینکه به جریان اصلی که در هیابانگ و معرکه فضای سینمای ایران حالا حلا‌جا و شانس دیده و درک نمی‌شد، با اهرم جشنواره ونیز برملا شود. این امکانی است که خیلی وقت‌ها جشنواره‌های خارجی، به آشفتنگی داخلی داده‌اند. کمی طمانینه، کمی منات و کمی پرهیز از سوگند بازار و راز و رازهای آن‌طرف پره. برای رفیقم احمد بهرامی خوشحالم که آنقدر به راهش مؤمن بود که هیچ ترغیب‌زایی و فشفشه نگاری، سرش را نچرخاند و حواسش را برت نکرد. امیدوارم با دست پر برگردد و در این سال ساکت و بی‌سوسو، شععی افروخته شود بالاخره.



تورنتو در تسخیر زنان



«برند بند» ساخته منیره حکمت فیلمی جاده‌ای، پراز چشم انداز‌های به یاد ماندنی و مملو از موسیقی در میان سیل خنمان پرافکن در ایران است که در نمایش افتتاحیه جهانی، در بخش سینمای معاصر جهان در جشنواره تورنتو به‌روزی پرده می‌رود. رضا کولغانی، امیرحسین طاهری، مهدیه موسوی و یگانه آهنگرانی، بازیگران این فیلم هستند.

فیلمساز زنی که در حرفه‌اش جدی است

در میان بیش از ۵۰ فیلمساز زنی که نام‌شان در تاریخ سینما ثبت شده، برخی دارای هویت و شخصی هستند که می‌شود آنها را در رده فیلمسازی با نگاه ویژه قرار داد. منیره حکمت از همین دست فیلمسازان است که با «زندان زنان» که به اعتقاد من بهترین فیلم او و از بهترین‌های چهار دهه اخیر سینمای ایران است، «سه زن» و «جاده قدیم» خود را به‌عنوان فیلمساز جدی که صاحب نگاه و دغدغه است و نسبت به



احمد طالبی‌نژاد منتقد سینما

مسائل زنان و موقعیت زنان در جامعه مردسالار تفکر دارد، مطرح کرد. این تفکر می‌تواند فمینیستی یا مستقل باشد. او در مقایسه با رخشان بنی‌اعتماد و پروان درخشنده در زمره فیلمسازیانی است که در آثارش گرایش فمینیستی کمابیش مشهود است. در عین حال ما با فیلمسازی مواجهیم که کارش را بلد است و می‌تواند از پس موضوعاتی که انتخاب کرده، برپیايد. اگر چه فیلم‌های او به غیر از «زندان زنان»، عموماً از فیلمنامه لطمه خورده‌اند اما در اینکه منیره حکمت کارگردان، کاربلدی است تردیدی نیست، می‌شود به او توصیه کرد که با دغدغه‌های شخصیت قصه‌اش طبق تعبیر فمینیست‌ها به‌عنوان جنس دوم نگاه نکند بلکه به‌عنوان یک انسان برخورد کند؛ همان چیزی که در آثار رخشان بنی‌اعتماد شاهد هستیم و آدم‌هایش را از آزاد جامعه به دل قصه‌هایش می‌آورد و اگر سراغ زنان می‌رود آه و فغان از مظلومیتشان سر نمی‌دهد، بالعکس تهمینه میلانی که زن در آثارش اسیر چنگال موجود بی‌رحمی به‌نام مرد است و هر چه بر سر زن ایرانی می‌آید به خاطر مرد‌های جامعه است. در این میان برخی سعی می‌کنند بی‌طرفانه قضاوت کنند مثل نیکی کریمی که در فیلم اولش روی خط باریک حرکت می‌کند. در این سال‌ها تعداد بانوان فیلمساز به شکل معناداری افزایش پیدا کرده که اغلب هم مورد حمایت هستند. این مطلب حکومت‌های دنیاست که آمار قابل توجهی از تعداد فیلمسازان زن ارائه کنند. در کشور ما این تعداد اگر با امریکا برابری نکند، کمتر نیست و از کشورهای اروپایی قطعاً بیشتر است. این ویژگی از یک سو افتخار آمیز است و از یک سوی نگران‌کننده. چرا که اغلب فقط یک فیلم ساخته‌اند یا تنها یک فیلم موفق در کارنامه دارند. منیره حکمت اما باوجود تمام مسائل و مشکلات با احتساب فیلم اخیرش «بندر بند»، ۴ فیلم کارگردانی کرده‌ود در حوزه تهیه‌کنندگی هم بیش از اینها فعال است، او در حرفه‌اش جدی است. به امید اینکه همچنان به حرکتش در این مسیر ادامه دهد.



مصمم در مسیر فیلمسازی

اولین بار فروش صدی را در جشنواره کن ۲۰۱۶ دیدم. من با گروه فیلم «فروشنده» همراه بودم و او نامزد نخل طلای بهترین فیلم کوتاه کن برای فیلم «سکوت» بود. فیلمی که بسیار دوستش دارم و به‌عنوان اولین فیلم کوتاه مستقل –خانم صدی پیش‌تر برای نویسندگی مشترک فیلم کوتاه «بیشتر از دو ساعت» با علی عسگری در سال ۲۰۱۲ باز هم کاندید نخل طلای کن بود- نوبد یک فیلمساز خوش‌قربحه و خلاق را می‌داد. در همان سفر و میهمانی بعد از جوايز، سلیقه و دقت در رفتار و ظاهرش توجه مرا جلب کرد. دو سال گذشته برای مشترکلاسی به جشنواره لینز اتریش شدم که خانم صدی به‌عنوان داور جشنواره و برگزارکننده مشترکلاس کارگردانی فیلم کوتاه و آنجا حضور داشت. این سفر و ملاقات مشترک باعث آشنایی بیشتر ما شد و من از دوستی و معاشرت با جوانی که این‌طور مصمم و با عشق مسیر فیلمسازی خود را با دقت و جدیت دنبال می‌کند خیلی لذت بردم. پذیرش و عضویت او در آکادمی اسکار باعث افتخار است و تداوم موفقیت‌ها و حضور پررنگش در داخل و خارج از ایران نشان از تصادفی نبودن فیلم خوب اول است. باعث خوشحالی است که بعد از پایان تحصیلش در ایتالیا به ایران برگشته و کارش را ادامه داد. چند ماه پیش شرکت به اولین فیلم بلندش «خط فرضی» را کلید زده و تا جایی که می‌دانم داستان یک معلم مدرسه به‌نام سارا را روايت می‌کند که قرار است با همسر و فرزندش برای عروسی به شمال ایران بروند ولی همسرش به‌دلیل مشکلات به این سفر نمی‌رود. همچنین چند روز پیش خبردار شدیم که فیلم به‌عنوان یکی از دو فیلم ایرانی حاضر در جشنواره مهم تورنتو، در بخش مسابقه است. ندیده می‌دانم او خوب فیلمی می‌سازد و مطمئن هستم ما در آینده شاهد موفقیت‌های روزافزون یکی دیگر از بهترین فیلمسازان زن کشورمان خواهیم بود. به امید خدا.



«خط فرضی»، اولین فیلم بلند فروش صدی بعد از کارگردانی و نویسندگی چند فیلم کوتاه موفق است. سحر دولت‌شاهی، پژمان جمشیدی، حسن پورشیرازی و آریتا حاجیان، بازیگران اصلی این فیلم به تهیه‌کنندگی علی مصفا هستند. این فیلم در قسمت اصلی جشنواره تورنتو ۲۰۲۰ به نمایش در خواهد آمد.

شفا نساجه